

۶ ترکیب کن و کلمه بساز، سپس هر کلمه را به تصویر خود وصل کن.



کلیدی ←

نَاز ←

مِدادِی ←

کَفَشِی ←

لِباسِی ←

جَلال +

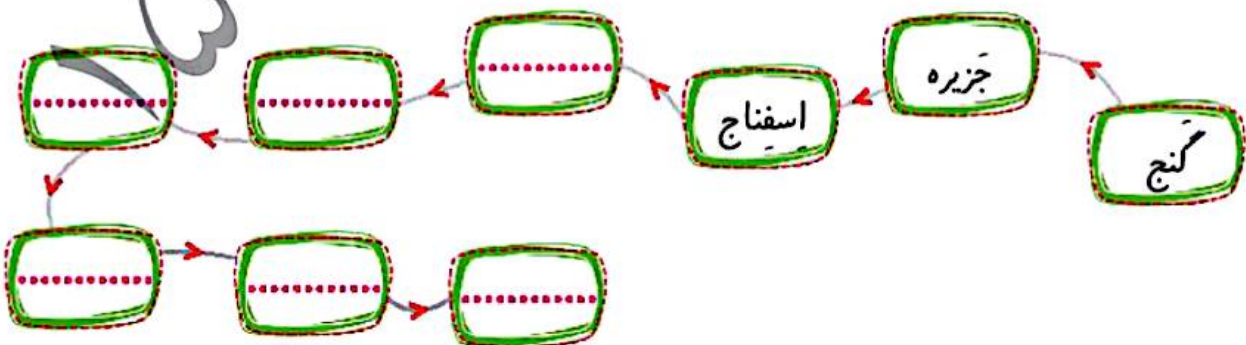
۷ جمله‌ها را با کلمه‌ی مناسب کامل کن.

جَلال، یَک فَنجان شیرِ جوشیده برای پدرش (آورد - آوردند)

مادَرَم برای من یک جوراب نارنجی (می‌بافد - می‌بافم)

من به کُنکِ برادَرَم آجیل را در کاسه (ریختم - ریخت)

۸ مانند نمونه با صدای آخر هر کلمه، یک کلمه‌ی جدید بنویس و با آخرین کلمه یک جمله بساز.



متن روان‌خوانی را با دقت بخوان و با توجه به آن، به سؤال‌ها جواب بده.



در یک روز پاییزی مرجان و برادرش جمشید با خانواده برای گردش و ماجراجویی به جنگل رفتند.

آن روز پنج‌شنبه بود. جنگل بسیار زیبا و سرسبز بود.

در جنگل، درختان و جانوران زیادی وجود دارند. مرجان و جمشید با کنگاوی در جنگل قدم می‌زدند.

جمشید زیر یکی از درختان یک سنجاب نارنجی رنگ دید. پدر گفت: «سنجاب مانند

بیشتر جانوران دیگر در تابستان لانه‌اش را پر از میوه می‌کند تا در زمستان گرسنه نماند. سنجاب

شاخه‌ی درختان را نیز می‌جود.» پدر زیر یک درخت کاج زیرانداز را انداخت و آنان بدون کفش

و با جوراب روی زیرانداز نشستند. گنجشکی بالای سر آنان پرواز می‌کرد و آواز سر داده بود.

مادر برای پدر در یک فنجان شیر ریخت و پدر شیر را با انجیر خشک نوش جان کرد.

مرجان و جمشید از مادر و پدر اجازه گرفتند تا از آنان جدا شوند و کمی در جنگل قدم بزنند. مادر

قبول کرد و گفت: «زیاد از ما دور نشوید زیرا ممکن است گم شوید.»

مرجان و جمشید به سمت جنوب جنگل رفتند. جمشید به فکر پیدا کردن یک گنج خیالی در جنگل بود.

مرجان به او خندید و گفت: «بیا برگردیم اگر شب شود، مامان و بابا را پیدا نمی‌کنیم.»

جمشید به دنبال او رفت و آنان خیلی زود پیش پدر و مادر برگشتند.



به سؤال‌های زیر در یک جمله پاسخ بده.

مرجان و خانواده‌اش چند شنبه به جنگل رفتند؟

پدر دربارهی سنجاب چه گفت؟

چرا مرجان و جمشید نباید از پدر و مادرشان دور می‌شدند؟

جدول زیر را با کلمه‌های خواسته شده کامل کن.

					ج ج
					خ خ

با توجه به متن ۳ کلمه بنویس که هم در آن‌ها ج ج، و هم نشانه‌ی گ گ، به کار رفته باشد.

.....

.....

.....

با توجه به متن نام ۲ حیوان را بنویس.

.....

.....

زیبا بنویس

ج ج ج

جارو

پنج جوجه زیر درخت کاج است.

پنج